اثری هنری درباره هنر خط و نقاشی (سیزدهمین کنگره جهانی علوم تاریخ - بررسی مآخذ پارسی - تاجیکی در سیزدهمین کنگره بین المللی تاریخ)

عینی، کمال

چنانچه می‏دانیم چند ماه پیش سیزدهمین کنگره جهانی علوم تاریخ در دانشگاه مسکو برگذار شد.بسیاری از دانشمندان برجسته کشورهای گوناگون‏ از زمره شرکت‏کنندگان این کنگره بودند.بطوریکه دو هزار نفر از سراسر جهان در این کنگره شرکت کردند.از ایران یک نفر در این کنگره‏ شرکت داشت و از مورخان ترکیه هیئت نمایندگی بزرگی به این کنگره فرستاده‏ شده بود.

امروز(19 اوت)در بخش تاریخ جدید،بایکال دانشمند ترک سخنانی‏ ایراد کرد.او ضمن گزارش خویش که به انتشار مأخذ مربوط به تاریخ ترکیه‏ اختصاص داشت به برخی از مسائل ازجمله مسئله نگارش از روی مأخذ مورد بحث اشاره کرد.این نکته‏ای است بسیار مهم،زیرا تنها مربوط به انتشار مأخذ ترکی نیست،بلکه مربوط به مأخذ تازی،پارسی و دیگر زبانها نیز هست.

برخی از دانشمندان،از جمله تنی چند از ایرانشناسان شوروی چون‏ بانو مریم هارونوا،مقدم اشرفی و کمال عینی در زمینه سخنان پروفسور بایکال‏ مطالبی بیان داشتند.

بانو مریم هارونوا درباه کارهای خاورشناسان شوروی در زمینه آثار باستانی،خطوط و نوشته‏های آنها و نیز طبقه‏بندی و انتشار فهرست‏ها و شرح‏ نسخه‏های خطی و انتشار متنهای آنها و همچنین درباره پژوهشهای مربوط به‏ شناختن مأخذ بیاناتی ایراد کردند.بانو هارونوا ضمن بیانات خود از برخی‏ نسخ خطی نایاب فارسی که در آن آگاهیهای بسیار جالب و مهمی در زمینه‏ تاریخ ترکیه و روابط ایران و ترکیه ذکر شده سخن راند(مترجم گمان‏ دارم بهتر است بجای ترکیه عثمانی و نیز روابط ایران و عثمانی نوشته شود ولی به سبب رعایت در امانت عین کلمه ترکیه را آورده‏ام).سخن‏ران در پایان پیشنهاد کرد کتابهائی شامل آگاهیهای جامع از مضامین نوشته‏های‏ خطی بزبانهای شرقی و غربی با ذکر خلاصه‏ای از بخشهای مربوط به ترکیه‏ و تاریخ و اقتصاد و فرهنگ آن سرزمین و نیز روابط آن سرزمین با برخی‏ از کشورها تدوین شود.بانو هارو نوا به اهمیت پژوهش و انتشار مآخذ و متنهای‏ پارسی نیز توجه فراوان مبذول داشت.

سخنان آقای دکتر کمال عینی و مقدم اشرفی به نسخه خطی اثر ناشناخته‏ قطب الدین که به سال 964 هجری(1556 میلادی)به رشته تحریر کشیده‏ شده اختصاص داشت.

این کتاب درباره رشته‏های مهم فرهنگی چون تاریخ نگارش و هنر آن‏ و نیز هنر نقاشی است و در آن از مسائلی سخن رفته که در مآخذ نیمه اول سده‏ شانزدهم میلادی آمده است.این کتاب حاوی آگاهی‏های تازه‏ای درباره هنر آن روزگار است.

سخنرانان نسخه منحصر بفردی از قطب الدین را که تاکنون شناخته شده‏ و در مخزن کتابهای خطی کتابخانه ملی ایران در تهران نگاهداری می‏شود مورد بررسی و پژوهش قرار داده‏اند.چنانچه از نوشته و متن پیداست این کتاب از سوی قطب الدین بشاه طهماسب یکم تقدیم شده و بعدها این رساله در نگارش دیگر آثار و نوشته‏های مربوط بتاریخ هنر خطنویسی و نقاشی مورد استفاده قرار گرفته‏ است.بعدها این کتاب بزبان ترکی ترجمه شد و همراه باملحقاتی از سوی شخصی‏ بنام مصطفی عالی به سال 1008 هجری تحت عنوان«مناقب هنروران» انتشار یافت.

در سخنرانی مذکور توضیح داده شد که این رساله قطب الدین از سوی‏ قاضی احمد دانشمند ایرانی در تدوین رساله‏ای درباره هنر نگارش و نقاشی‏ بسال 1005 هجری(1596 میلادی)مورد استفاده قرار گرفت.

چنانچه زاخودرو مینورسکی یاد کرده‏اند قاضی احمد در رساله خود نه‏ تنها از نوشته سلطانعلی مشهدی استفاده کرده بلکه بخش مهمی از نوشته‏ قطب الدین را نیز در کتاب خود گنجانیده.سخنان دانشمندان شوروی را در این‏ زمینه نمی‏توان در این مختصر بیان داشت.ولی ذکر یک نکته ضرور است و آن‏ اینکه سخنان دانشمندان شوروی مورد توجه فراوان حاضران واقع شد.این‏ نکته‏ای بود که آقای پروفسور شیفر نماینده ایالات متحده امریکا رئیس کنگره‏ ضمن آخرین سخنان خود در کنگره بدان اشاره کرد.

گوشت بی‏استخوان!

سطیح کاهن شخصی بوده است غریب الخلقه،چنانکه اصلا مفاصل نداشته و نمی‏توانسته است همانند دیگران برخیزد و بایستد و بنشیند،مگر وقتی که خشمناک‏ می‏شد و همانند انبانی پرباد می‏گشت و می‏نشست!بدن وی هیچ استخوان نداشت‏ مگر جمجمه و سرهای دست و انگشتان او.

در اوایل بعثت حضرت رسول اکرم(ص)درگذشت چون می‏خواستند که او را جائی دیگر نقل کنند،مانند رخت و لباس؛وی را درهم می‏پیچیدند و مثل توده‏یی گوشت می‏بردند.

روی او در سینه‏اش بود.وقتی که میخواستند او از غیب خبر دهند،وی را مانند مشک دوغی می‏جنباندند و او نفس می‏زد و هرچه میگفت همان میشد!عمرش‏ بسیصد سال رسید!!!